

بازنمایی واج /I/ در گویش ترکی عجب‌شیری در چارچوب نظریه بهینگی^۱

سید محمد رضی نژاد^۲

استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه محقق اردبیلی

آیسان کلاهدوزی پور^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

پژوهش حاضر به توصیف و تحلیل بازنمایی واج /I/ در گویش ترکی عجب‌شیری در محیط‌های واجی مختلف در چارچوب نظریه بهینگی می‌پردازد. نظریه بهینگی، در قالب تعامل محدودیت‌های نشان‌داری و پایایی، به توجیه فرایندهای واجی می‌پردازد. داده‌های این پژوهش، از گویشوران بومی مسن و بی‌سواد عجب‌شیر جمع‌آوری شده است. لازم است ذکر شود که در این گویش، واج /I/ در هیچ محیط واجی تظاهر آوایی ندارد و همواره یا به واج /j/ تبدیل می‌شود یا حذف می‌شود. هدف از پژوهش حاضر این است که مشخص شود واج /I/ در چه شرایطی به واج /j/ تبدیل و در چه شرایط واجی حذف می‌شود و محدودیت‌های نشان‌داری فعال در تبیین این فرایندها کدام‌اند و ترتیب اعمال این محدودیت‌ها چگونه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چارچوب نظریه بهینگی نشان می‌دهد که واج /I/ در جایگاه آغاز و پایانه هجا به واج /j/ تبدیل می‌شود، بدین معنا که در گویش مورد بررسی، در این شرایط واجی، محدودیت نشان‌داری عدم لرزشی فعال است و در رتبه بالاتری نسبت به محدودیت پایایی همانی در مشخصه لرزشی قرار دارد؛ افزون بر این، اگر /I/ عضو اول خوشه همخوان پایانی باشد و واکه هجا مشخصه [پسین] را داشته باشد، همخوان /I/ حذف خواهد شد، ولی اگر در همین جایگاه، واکه مشخصه [پسین] داشته باشد، همخوان /I/ به /j/ تبدیل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ترکی عجب‌شیری، حذف، تبدیل، تعامل محدودیت‌ها، نظریه بهینگی.

۱- مقدمه

عجب‌شیر، کوچک‌ترین شهرستان استان آذربایجان شرقی، واقع در شمال غرب ایران، با مساحت ۷۴۸/۴۴ کیلومترمربع و جمعیت ۶۶/۷۴۶ نفر، در جنوب غربی استان قرار گرفته است و حدود ۸۵ کیلومتر با مرکز استان (تبریز)، فاصله دارد. این شهر، از شمال به آذرشهر، از شرق به مراغه، از جنوب به بناب و از غرب به دریاچه ارومیه محدود شده است. مردم آن به زبان ترکی آذربایجانی سخن می‌گویند.

زبان ترکی آذربایجانی دارای ۲۳ همخوان /b/ /p/ /f/ /v/ /m/ /n/ /t/ /d/ /s/ /z/ /l/ /r/ /ʒ/ /ʃ/ /h/ /ʎ/ /j/ /g/ /x/ /c/ /ʃ/ /tʃ/ /dʒ/ /r/ /i/ است (رضی‌نژاد، ۱۳۸۱).

همچنین این زبان، دارای نظام هجایی CV(C)(C) است؛ بدین معنی که بیش از یک همخوان به‌مثابه آغاز و بیش از دو همخوان به‌مثابه پایانه مجاز نیست.

همان‌طور که در نظام واجی زبان ترکی آذربایجانی مشاهده می‌شود، واج /r/ جزء واجگان زبان ترکی محسوب می‌شود؛ اما در گویش عجب‌شیری این واج، در هیچ محیط واجی تلفظ نمی‌شود؛ بنابراین، فرایندهای واجی حذف یا تبدیل، با توجه به شرایط واجی، اعمال می‌شوند تا این ضرورت زبانی مبنی بر نبود آوایی واج /r/ برآورده شود. لازم به توضیح است حتی اگر فرض کنیم واج /r/ در زیرساخت نظام واجگان زبان ترکی حضور ندارد، چنین فرضی در نتیجه تحلیل، خللی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه اولاً این مقاله درصدد تحلیل نحوه بازنمایی این واج در سطح تولیدی و آوایی است و به تعیین زیرساخت آن نمی‌پردازد؛ ثانیاً در چارچوب نظریه بهینگی، تعیین زیرساخت یا به عبارت دقیق‌تر درون‌داد در تحلیل نهایی تأثیر ندارد چون نظریه بهینگی، برون‌داد محور است؛ اما از آنجا که در سایر گویش‌های ترکی در چنین موضعی واج /r/ حضور دارد و همچنین در کلمات قرصی دارای واج /r/ در هنگام ورود به این گویش، فرایندهای واجی یادشده رخ می‌دهند، شاهدی بر حضور واج /r/ در زیرساخت است.

در داده‌های زیر، واج /r/ به واج /z/ تبدیل می‌شود:

جدول (۱). تبدیل واج /ɾ/ به واج /z/ در گویش عجب‌شیری

معنی فارسی	گویش ترکی عجب‌شیری	ترکی آذربایجانی
رمز	/jamz/	/ramz/
رب	/jup/	/rup/
رنگ	/jah/	/rang/
آدرس	/ad.jes/	/ad.res/
جوراب	/ɟʒo.jab/	/ɟʒo.rab/
چراغ	/tʃi.jax/	/tʃi.rax/
اینجا	/buuj.da/	/buur.da/
پارچه	/paj.tʃa/	/par.tʃa/
انگشت	/baj.max/	/bar.max/
پنیر	/pa.nij/	/pa.nir/
بیار	/Ja.tij/	/Ja.tir/
ببر	/a.paj/	/a.par/

در داده‌های زیر، واج /ɾ/ حذف می‌شود:

جدول (۲). حذف واج /ɾ/ در گویش عجب‌شیری

معنی فارسی	گویش ترکی عجب‌شیری	ترکی آذربایجانی
چهار	/dod/	/dord/
کلاه	/boh/	/bork/
تُرک	/tyh/	/tyrk/
بمال	/syɬ/	/syrt/
کتیفی	/tʃih/	/tʃirk/
حرص	/his/	/hirs/
محکم	/bah/	/bark/
چرخ	/tʃax/	/tʃarx/
فرش	/faʃ/	/farʃ/

بررسی دقیق‌تر داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که هرگاه واج /ɾ/ در ابتدا و انتهای هجا قرار گیرد،

فرایند تغییر مشخصه رخ می‌دهد. قاعدهٔ واجی زیر، بیان‌کنندهٔ این مسئله است:

قاعدهٔ (۱)، تبدیل واج /ɾ/ به واج /z/:

$$r \rightarrow j / \left\{ \begin{array}{l} \# - \\ - \# \end{array} \right. \sigma$$

$$\text{trill} \rightarrow \left\{ \begin{array}{l} \text{glide} \\ \text{coronal} \end{array} \right\} / \left\{ \begin{array}{l} \# - \\ - \# \end{array} \right. \sigma$$

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که اگر واج /r/ به‌مثابه عضو اول خوشه همخوانی پایانی واقع شود، فرایند حذف واج /r/ صورت می‌گیرد که قاعده واجی زیر آن را بیان می‌کند:

قاعده (۲) حذف واج /r/:

$$r \rightarrow \emptyset / CV - C \quad \text{Trill} \rightarrow \emptyset / CV - C$$

داده‌های این پژوهش، به روش میدانی از گویشوران بومی عجب‌شیر جمع‌آوری شده است، همچنین نگارنده دوّم، خود نیز گویشور بومی عجب‌شیر است. داده‌ها در چارچوب نظریه بهینگی از راه تعامل محدودیت‌های پایایی و نشان‌داری تحلیل می‌شوند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است.

این نوشتار، در پی آن است که فرایندهای تبدیل واج /r/ به واج /j/ و حذف واج /r/ در محیط‌های واجی مختلف را در چارچوب نظریه بهینگی استاندارد تحلیل کرده و محدودیت‌های نشان‌داری و پایایی فعال در خصوص آن‌ها را معرفی کند. شایسته است گفته شود که در خصوص فرایند تبدیل یا تغییر واجی نظیر این کار تحقیقی، در زبان ترکی پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین، در این مقاله پیشینه‌ای بیان نمی‌شود.

۲- چارچوب نظری

نظریه بهینگی، نخستین بار توسط پرینس و اسمولنسکی^۴ (۱۹۹۳) در کتاب *تعامل محدودیت‌ها در دستور زایشی منتشر شد*. هدف نظریه بهینگی، تبیین فرایندها در زبان‌ها تنها از طریق یک مجموعه محدودیت‌های جهانی است؛ بنابراین، هیچ‌گونه قاعده‌ای در تحلیل‌های آن به‌کار نمی‌رود. افزون بر این، در این نظریه، هیچ‌گونه تعاملی میان قاعده‌ها و محدودیت‌ها وجود ندارد؛ به بیانی دیگر، نظریه بهینگی نظریه‌ای مختلط از قاعده‌ها و محدودیت‌ها نیست (مک‌کارتی^۵، ۲۰۰۲: ۲۴۳).

4. A. Prince & P. Smolensky

5. J. McCarthy

کگر^۶ (۱۹۹۹) خاطر نشان می‌کند که در نظریه بهینگی، اصول صورت‌گرایی محض اس‌پی‌ای^۷ (چامسکی و هله^۸، ۱۹۶۸) با عنوان قاعده‌ها و لایه‌های اشتقاقی میان بازنمایی زیرساختی و بازنمایی آوایی مطرح نیست؛ هرچند در نظریه بهینگی، بازنمایی زیرساختی و آوایی به ترتیب با عنوان درون‌داد و برون‌داد خوانده می‌شوند. مک‌کارتی (۲۰۰۲) بیان می‌دارد که قاعده‌ها در نظریه بهینگی مفروض نیستند؛ زیرا آن‌ها پدیده‌های یک زبان خاص را به شکل کلی توضیح می‌دهند. این در حالی است که محدودیت‌ها در نظریه بهینگی راه‌حل‌های گذرایی برای حل مسائل خاص زبانی نیستند؛ بلکه به دنبال تبیین پدیده‌های زبانی به شکل جهانی هستند. محدودیت‌ها دو دسته‌اند: محدودیت‌های پایایی^۹ و نشان‌داری^{۱۰}. محدودیت‌های پایایی، هر گزینه برون‌داد را به صورت متناظر آن در بازنمایی زیرساختی (درون‌داد) مقایسه می‌کنند و هرگونه تغییر را با ستاره‌دار کردن، جریمه می‌کنند. محدودیت‌های نشان‌داری قادر به مقایسه درون‌داد با برون‌داد نیستند؛ بلکه اگر گزینه برون‌دادی شرایط خوش‌ساختی برون‌داد را رعایت نکرده باشد، آن را جریمه می‌کنند (جم، ۱۳۹۳).

۳- تحلیل داده‌ها

در زبان ترکی آذربایجانی، واج /ɪ/ می‌تواند در جایگاه آغاز هجا و همچنین در پایانه هجا، به مثابه عضو اوّل و دوّم خوشه قرار گیرد و این رخداد هم در کلمات تک‌هجایی و هم در کلمات چندهجایی صورت می‌گیرد؛ اما در این گویش، اگر واج /ɪ/ در جایگاه آغاز هجا و همچنین به مثابه عضو دوّم خوشه همخوانی پایانه هجا قرار گیرد، به واج /j/ تبدیل می‌شود.

در گویش عجب‌شیری، واج /ɪ/ در هیچ جایگاه واجی تلفظ نمی‌شود و داده‌های جدول (۱) و (۲) مؤید این مطلب هستند. ابتدا محیط واجی که واج /ɪ/ همواره به /j/ تبدیل می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای پاسخ به اینکه چگونه ممنوعیت همخوان روان جبران می‌شود، جایگاه‌هایی که /ɪ/ می‌تواند قرار گیرد، بررسی شده است، یکی از جایگاه‌هایی که همخوان روان می‌تواند قرار گیرد، آغاز و پایانه هجا است که در این جایگاه‌ها به /j/ تبدیل می‌شود. ساخت‌های هجایی زیر، این موارد را با جزئیات بیشتر نشان می‌دهند.

6. R. Kager

7. SPE

8. N. Chomsky & M. Halle

9. Faithfulness constraints

10. Markedness constraints

الف) ابتدای هجا CVCC، CV.CVC، CVCC و IVCC

ب) انتهای هجا CVC.CVC، CV.CVC، CV.CVC، CV.CVC، CV.CVC، CV.CVC و CV.CVC

قاعده (۱) در بخش مقدمه، نشان‌دهنده این فرایند واجی است. حال فرایند تبدیل واج /r/ در قالب نظریه بهینگی بررسی می‌شود.

وقتی عنصر واجی‌ای تغییر مشخصه می‌دهد، محدودیت پایایی همانی^{۱۱} نقض می‌شود؛ به عبارت دیگر، با توجه به داده‌های این گویش، محدودیت پایایی همانی در مشخصه لرزشی^{۱۲} نقض شده است. نقض این محدودیت پایایی، برای ارضای محدودیت نشان‌داری صورت می‌گیرد. محدودیت نشان‌داری فعال در این زبان عدم لرزشی است.

عدم لرزشی: حضور همخوان روان مجاز نیست.

محدودیت نشان‌داری عدم لرزشی^{۱۳}، باید در رتبه‌بندی بالاتری نسبت به محدودیت پایایی همانی در مشخصه لرزشی در تابلوی بهینگی قرار گیرد تا اجازه تولید این چنین داده‌ای را بدهد؛ بنابراین، برای توجیه این داده‌ها، محدودیت‌ها به صورت زیر رتبه‌بندی می‌شوند:

1) *trill >> IDENT (trill)

تابلوی (۱). تبدیل واژه [ramz] به [jamz]

ramz	*trill	IDENT (trill)
ramz	*!	
☞ jamz		*

حال این پرسش به وجود می‌آید که آیا امکان حذف واج /r/ یا درج واجی دیگر برای جبران ممنوعیت /r/ وجود دارد؟ داده‌های زبانی نشان می‌دهد که برای توجیه عدم حضور واج /r/، فرایند حذف واج /r/ یا درج واج دیگری در این محیط واجی رخ نمی‌دهد، حال اگر گزینه [amz] و [eramz] جزو گزینه‌های رقیب باشند چگونه؟

محدودیت پایایی عدم حذف^{۱۴}، مانع از حذف عنصر و محدودیت پایایی عدم درج^{۱۵}، مانع از درج عنصر می‌شود؛ بنابراین، محدودیت‌های پایایی عدم حذف و عدم درج را وارد رتبه‌بندی محدودیت‌ها

11. IDENT(F)
12. IDENT(trill)
13. *trill
14. MAX
15. DEP

می‌کنیم تا این گزینه‌ها را از گردونه رقابت خارج کنند؛ بنابراین، برای توجیه این فرایند، محدودیت‌ها به صورت زیر رتبه‌بندی می‌شوند:

2) *trill; DEP; MAX > > IDENT (trill)

تابلوی (۲). انتخاب برون‌داد بهینه */jamz/* از */ramz/*

ramz	*Trill	DEP	MAX	IDENT trill
ramz	*!			
jamz				*
eramz		*!		
amz			*!	

تابلوی (۲) نشان می‌دهد، برای اینکه *[jamz]* به‌مثابه گزینه نهایی انتخاب شود، محدودیت‌های پایایی عدم حذف و عدم درج باید بر محدودیت‌های همانی در مشخصه لرزشی تسلط داشته باشد تا مانع تولید گزینه‌های بدساختی چون */amz/* و */eramz/* شود.

باید گفت، محدودیت عدم حذف و عدم درج، نسبت به محدودیت عدم لرزشی، رتبه‌بندی نمی‌شوند و هم‌تراز هستند، برای رتبه‌بندی، باید محدودیت‌ها باهم تعارض^{۱۶} داشته باشند.

مکارتی (۲۰۰۸: ۶۱) معتقد است برای رتبه‌بندی دو محدودیت نسبت به هم، باید این محدودیت‌ها باهم تعارض داشته باشند. اگر هریک از محدودیت‌ها، از میان دو گزینه رقیب، انتخاب متفاوتی به‌مثابه گزینه بهینه داشته باشند، باهم تعارض دارند (باید یکی از گزینه‌های رقیب، گزینه واقعی باشد)؛ به عبارت دیگر، اگر محدودیت c_1 گزینه a و محدودیت c_2 گزینه b را ترجیح دهد، در این صورت این دو محدودیت باهم در تعارض هستند. در چنین تعارضی، یکی از محدودیت‌ها برآورده شده و دیگری نقض می‌شود. اگر هر دو محدودیت، به‌وسیله گزینه‌های رقیب نقض شوند، باز می‌توانند باهم تعارض داشته باشند. اگر یکی از گزینه‌ها برنده باشد، محدودیتی که باوجود نقض شدن، گزینه برنده را بر بازنده ترجیح می‌دهد، باید رتبه بالاتری نسبت به محدودیت دیگر داشته باشد (رضی‌نژاد، ۱۳۹۱).

مطالعه داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد، همخوان */r/* در جایگاه CVrC حذف می‌شود. این فرایند واجی، در قاعده (۲) در بخش مقدمه مطرح شده است. بررسی داده‌های جدول (۲) در بخش مقدمه نشان می‌دهد که هرگاه واج */r/* عضو اول خوشه همخوانی پایانی باشد، حذف می‌شود. با حذف عنصر

واجی، محدودیت پایایی عدم حذف نقض می‌شود؛ اما از آنجا که حذف /r/ تنها در این جایگاه مجاز است و در پایانه هجا مجاز نیست، پس محدودیت پایایی جایگاهی لازم است، محدودیت پایایی ناظر بر این فرایند عدم حذف لرزشی از اوّل خوشه همخوانی^{۱۷} است.

عدم حذف لرزشی از اوّل خوشه همخوانی: حذف واج /r/، به‌مثابه عضو اوّل خوشه همخوان مجاز نیست.

محدودیت عدم حذف لرزشی از اوّل خوشه همخوانی، با محدودیت نشان‌داری عدم لرزشی که اجازه حضور واج /r/ را نمی‌دهد؛ در تعارض است؛ از طرف دیگر، برای جلوگیری از حضور واج /z/ باید محدودیت نشان‌داری عدم غلت^{۱۸} معرفی شود:

عدم غلت: حضور غلت مجاز نیست.

با توجه به اینکه محدودیت عدم حذف لرزشی از اوّل خوشه همخوانی، توسط گزینه بهینه نقض شده است، پس باید رتبه پایین‌تری نسبت به محدودیت‌های نشان‌داری داشته باشد. لازم به توضیح است که محدودیت‌های نشان‌داری عدم لرزشی و عدم غلت به‌دلیل عدم تعارض، نسبت به هم رتبه‌بندی نمی‌شوند.

برای ارضای داده‌های زبانی، محدودیت‌ها به‌صورت زیر رتبه‌بندی می‌شوند:

3) *trill; *glide > > MAXtrillC

تابلوی (۳). فرایند حذف واج /r/ در واژه [børk] (کلاه)

børk	*trill	*glide	MAX trillC
børk	*!		
☞ bøh			*
bøjk		*!	

همان‌طور که در تابلوی (۳) مشاهده می‌شود، حضور هر دو محدودیت عدم لرزشی و عدم غلت ضروری است تا به‌ترتیب، گزینه [børk] و [bøjk] از گردونه رقابت خارج شوند. گزینه بهینه [bøh] با ارضای محدودیت‌های عدم غلت و عدم لرزشی، به‌مثابه گزینه خوش‌ساخت انتخاب می‌شود. قابل ذکر است، تبدیل همخوان /k/ به /h/ در واژه [børk]، از موارد رایج در زبان ترکی است، اما در پژوهش

17. MAXtrillC

18. *glide

حاضر به این موضوع پرداخته نمی‌شود.

هرگاه همخوان روان /ɾ/، عضو اول خوشهٔ همخوان پایانی است، فرایند حذف رخ می‌دهد. بررسی دقیق‌تر داده‌ها نشان می‌دهد که این قاعده، در تمامی موارد رخ نمی‌دهد؛ بدین صورت که اگر واکهٔ قبل از /ɾ/ مشخصهٔ [-پسین] داشته باشد، فرایند حذف رخ می‌دهد، اما اگر واکهٔ قبل از همخوان /ɾ/ مشخصهٔ [+پسین] داشته باشد، /ɾ/ به /z/ تبدیل می‌شود. داده‌های (۳) شاهدهی بر این امرند:

جدول (۳). حذف یا تغییر واج /ɾ/ در گویش عجب‌شیری

واکه با مشخصهٔ پسین قبل از /ɾ/			واکه با مشخصهٔ پیشین قبل از /ɾ/		
ترکی	گویش ترکی عجب‌شیری	معنی فارسی	ترکی	گویش ترکی عجب‌شیری	معنی فارسی
/gurx/	/gujx/	چهل	/børk/	/bøh/	کلاه
/gorx/	/gojx/	بترس	/syrt/	/sy/	بمال
/muurt/	/mujt/	شوخی کردن	/tyrk/	/tyh/	تُرک
/park/	/pajk/	پارک	/tʃirk/	/tʃih/	کتیفی
/gart/	/gajt/	از دست دادن ظرافت و طراوت با حفظ ماهیت	/hirs/	/his/	حرص
/jurd/	/jujd/	چمنزار	/tʃarx/	/tʃax/	چرخ
/gurp/	/gujp/	دستگیره	/farʃ/	/faf/	فرش

بنابراین، نوع واکه در اعمال فرایند حذف یا تغییر واج /ɾ/ در جایگاه بعد از واکه تأثیر دارد، بنابراین، محدودیت نشان‌داری عدم غلت باید به صورتی تحدید شود که فقط در کنار واکه‌هایی با مشخصهٔ [-پسین] فعال باشد. با در نظر گرفتن موارد بالا، محدودیت پیش رو معرفی می‌شود:

عدم غلت بعد از واکهٔ پسین^۹: درج واج /z/ پس از واکه‌هایی با مشخصهٔ [-پسین] مجاز نیست.

برای انتخاب گزینهٔ نهایی، محدودیت‌ها به صورت زیر رتبه‌بندی شده‌اند:

4) *trill; *V(-back)glide > > MAXtrill_C > > IDENT(trill)

تابلوی (۴). فرایند تبدیل واج /ɾ/ در واژهٔ /gurx/

gurx	*trill	*V(-back)glide	MAXtrill _C	IDENT(trill)
gurx	*!			
☞ gujx				*
guux			*!	

برای نشان‌دادن عملکرد این محدودیت در تابلوی (۵) به صورت مقایسه‌ای، دو کلمه با مشخصه واکه‌ای متفاوت قرار می‌دهیم.

تابلوی (۵). عملکرد محدودیت‌ها به صورت مقایسه‌ای

Input	Output	*trill	*v ^(-back) glide	MAXtrillC	IDENT trill
børk	børk	*!			
	☞ bøh			*	
	bøjk		*!		*
gurx	gurx	*!			
	☞ gujx				*
	guix			*!	

اگر به کلماتی نظیر *børk* که به *bøh* تبدیل می‌شوند، یعنی در واقع فرایند حذف صورت می‌گیرد، پسوندی نظیر اول شخص مفرد افزوده شود، به صورت */bøj.kim/* تلفظ می‌شود، یعنی حذف همخوان */r/* صورت نمی‌گیرد، بلکه واج */r/* به واج */j/* تبدیل می‌شود. وجود همخوان */j/* در این مورد، دلیلی بر نقض یافته‌های پیشین نیست؛ بلکه همان‌طور که پیش‌تر هم مطرح شد، همخوان */r/* در انتهای هجا تغییر مشخصه یافته و به همخوان */j/* تبدیل می‌شود و در این گونه موارد، به دلیل وندافزایی، هجابندی واژه تغییر یافته و در نتیجه با هجابندی مجدد واج */r/*، در انتهای هجا قرار گرفته و طبق یافته‌های پیشین، به همخوان */j/* تغییر می‌کند که این مورد، خود دلیلی بر صدق یافته‌ها است. اما اگر به داده‌های جدول (۴) دقت شود، در مثال‌های ۱ و ۳، واج */r/* به واج */j/* تبدیل نمی‌شود؛ بلکه حذف می‌شود.

جدول (۴). عدم تبدیل واج */r/* به واج */j/* و حذف آن

معنی فارسی	صورت زبانی مورد انتظار	گویش ترکی عجبشیری	زبان ترکی آذربایجانی
۱ چهل و پنج	gujx. beʃ	guix. beʃ	gurx. beʃ
۲ چهل و دو	guj. xi. ci	guj. xi. ci	gur. xi. ci
۳ از چمن‌زار	Jujd. dan	Jud. dan	Jurd. dan
۴ چمن‌زارم	Juj. dim	Juj. dim	Jur. dim

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا کلمه *gurx.bef* به جای اینکه به صورت *guyx.bef* تلفظ شود، به صورت *guix.bef* تلفظ می‌شود. با توجه به اینکه */r/* عضو اول خوشه همخوان پایانی است و واکه قبل از آن مشخصه [+پسین] دارد، پس باید به واج */j/* تبدیل می‌شد که این اتفاق رخ نداده است. بررسی دقیق‌تر داده‌ها نشان می‌دهد در کلمات دوهجایی، در صورتی که هجای دوم با همخوان شروع شود، توالی دو همخوان در پایانه هجای اول مجاز نیست. برای توجیه این امر، محدودیت نشان‌داری **CVCC.CV* در سلسله مراتب محدودیت‌ها بالاتر از محدودیت عدم حذف لرزشی از اول خوشه

همخوانی قرار می‌گیرد، پس برای کلمهٔ *guux.bef*، ترتیب محدودیت‌های زیر حاکم است:

5) *trill; *V^(-back)glide >> *CVCC.CV >> MAXtrillC >> IDENT(trill)

نابلوی (۶) حذف واج /r/ در واژهٔ *guurx.bef*

guurx.bef	*trill	*V ^(-back) glide	*CVCC.CV	MAXtrillC	IDENT(trill)
guurx.bef	*!		*		
ᵑguux.bef				*	
guujx.bef			*!		*

با در نظر گرفتن تمامی موارد بالا، یک قاعدهٔ کلی که تمامی فرایندهای مربوط به همخوان روان در این زبان را پوشش می‌دهد به صورت زیر معرفی شده است:

6) *trill; *V^(back)glide >> *CVCC.CV >> MAX; DEP; MAXtrillC >> IDENT(trill)

نابلوی (۷). رتبه‌بندی نهایی محدودیت‌های مربوط به فرایند حذف و تبدیل

Input	Output	*trill	*V ^(back) glide	*CVCC.CV	MAX	DEP	MAXtrillC	IDENT trill
børk	børk	*!						
	bøjk		*!					*
	ᵑbøh						*	
guurx	guurx	*!						
	ᵑguujx							*
	guux						*!	
Input	Output	*trill	*V ^(back) glide	*CVCC.CV	MAX	DEP	MAXtrillC	IDENT trill
ramz	ramz	*!						
	ᵑjamz							*
	amz				*!			
	eramz	*!				*		
guurx.bef	guurx.bef	*!		*				
	ᵑguux.bef						*	
	guujx.bef			*!				*

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله، فرایندهای تبدیل و حذف واج /r/ در گویش ترکی عجب‌شیری در چارچوب نظری بهینگی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی داده‌های زبان نشان داد که هرگاه همخوان /r/ در جایگاه‌های آغاز و پایانهٔ هجا واقع شود، فرایند تبدیل صورت می‌گیرد و به همین دلیل، محدودیت پایایی همانی لرزشی نقض می‌شود و محدودیت نشان‌داری عدم لرزشی فعال است که در تقابل با این محدودیت پایایی قرار دارد، برای ارضای فرایند تبدیل، محدودیت‌ها به ترتیب *trill >> IDENT (trill)

رتبه‌بندی شد؛ سپس با در نظر گرفتن احتمال رخداد فرایندهای حذف و درج، برای انتخاب گزینه بهینه، محدودیت‌های پایایی عدم حذف و عدم درج معرفی شد تا مانع تولید گزینه‌های بدساخت شوند، در نهایت، برای فرایند تغییر مشخصه رتبه‌بندی (trill) IDENT >> *trill; DEP; MAX >> معرفی شد.

بررسی داده‌های زبان نشان داد که اگر همخوان /r/ در جایگاه عضو اول خوشه همخوان پایانی قرار گیرد، در این مرحله نیز همچنان محدودیت نشان‌داری عدم لرزشی فعال است؛ اما برای منع تبدیل همخوان روان به همخوان غلت، محدودیت نشان‌داری عدم غلت به‌کار بسته شد که در تقابل با محدودیت پایایی عدم حذف لرزشی از اول خوشه همخوانی است، در نهایت برای ارضای این فرایند رتبه‌بندی MAXtrillC >> *trill; *glide >> ارائه شد؛ اما با بررسی بیشتر داده‌های زبانی دریافتیم که مشخصه [+پسین] و [-پسین] بودن واکه پیش از همخوان /r/ رابطه مستقیمی با نوع فرایند واجی دارد، به‌طوری که اگر واکه قبل از همخوان /r/ دارای مشخصه [-پسین] باشد، فرایند حذف رخ می‌دهد، اما اگر دارای مشخصه [+پسین] باشد، فرایند تغییر مشخصه رخ می‌دهد؛ بنابراین، محدودیت نشان‌داری عدم غلت بعد از واکه پسین معرفی شد تا مانع حضور همخوان غلت در کنار واکه‌هایی با مشخصه [-پسین] باشد؛ در نهایت، محدودیت‌های فعال و رتبه‌بندی نهایی که از عهده تبیین تمام موارد بریاید، به‌صورت زیر معرفی شد:

7) *trill >> *V^(-back)glide >> *CVCC.CV >> MAX; DEP; MAXtrillC >> IDENT(trill)

منابع

جم، بشیر (۱۳۹۳). تبیین رخداد کشش جبرانی در زبان پارسی در چارچوب نظریه بهینگی. *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، (۳۳۱)، ۴۲۳-۴۳۸.

رضی‌نژاد، سید محمد (۱۳۸۱). *واج‌شناسی گویش ترکی مشگین‌شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

----- (۱۳۹۱). *توالی هماهنگ در زبان ترکی آذربایجانی*. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۱ (۱۶)،

۳۵-۱۵.

Chomsky, N. & M. Halle (1968). *The Sound Pattern of English*. Cambridge University Press.

Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.

McCarthy, J. (2002). *A Thematic Guide to Optimality Theory*, New York: Cambridge University Press.

----- (2008). *Doing Optimality Theory, Applying Theory to Data*, Oxford: Blackwell Publishing.

Prince, A. & P. Smolensky (1993). *Optimality theory; Constraint Interaction in Generative Grammar*. Cambridge: MIT press.